یادداشت روز

# نقشه چندلایه آمریکا برای عراق

**تحولات همزمان امنیتی در عراق و سوریه نشان داد که این دو کشور اگر یک ظرف واحد نباشند، دو ظرف کاملاً مرتبط با یکدیگر هستند. خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوریه و همزمان با آن عملیات ارتش ترکیه در شرق فرات بوی توافق می‌دهد. کما اینکه حمایت سفارت آمریکا از اغتشاشات در مراکز استان‌های شیعی عراق و همزمانی حمله جنگنده‌های ارتش ترکیه به غرب عراق با آن هم بوی توافق می‌دهد و جمع این خبرها بیانگر آن است که ما با یک توطئه جدید در ابعادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه امنیت منطقه مواجه بوده و باید در انتظار رخدادهایی باشیم. جدای از اینکه این نوع اقدامات به نتیجه مورد نظر طراحان برسد یا نرسد، آنچه در این روزها شاهد هستیم تلاش برای تغییر اساسی در وضعیت اداره منطقه است. در این خصوص نکته‌هایی وجود دارد؛**

**۱- از حدود سه سال پیش یعنی درست از زمانی که مشخص شد امکان تغییر دولت در دمشق وجود ندارد، ترکیه که تا پیش از این به اعتبار بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک با سوریه، توقع داشت بیشترین نقش را در تغییر حکومت در سوریه و استفاده از نتایج آن داشته باشد، درصدد بر آمد به بهانه مقابله با P.k.k بر بخش‌های شمالی سوریه به عمق حدود ۵۰ کیلومتر سیطره پیدا کند و در عمل هم توانست از الباب در جنوب حلب تا المنبج در شمال رقه را به تصرف نظامی خود در آورد و اداره آن را کاملاً به دست بگیرد. اما ترکیه برای گسترش نفوذ به شمال شرق سوریه - شرق فرات و یا منطقه جزیره - با دو مانع آمریکایی‌ها و کردها مواجه بود و به این دلیل هرگاه تهدید به عملیات نظامی در شرق فرات می‌کرد با تشر نیروهای آمریکایی عقب می‌نشست و کردها سرگرم جنگ با داعش بودند. تا اینکه سه روز پیش، پنتاگون رسماً اعلام کرد که طبق دستور رئیس‌جمهور، نیروهای خود را از سوریه خارج می‌کند و همزمان عملیات ارتش ترکیه علیه کردها و در واقع علیه بخشی از حاکمیت کشور سوریه شروع شد. در این میان بعضی از تحلیلگران فقط روی خیانت آمریکایی‌ها به کردها که با وعده حمایت از آنان در برابر ترکیه کردها را تحت فرمان خود داشتند، صحبت کردند اما در این میان واقعیت بزرگ‌تری وجود داشت و آن تبانی آمریکا و ترکیه در دو پرونده عراق و سوریه بود که کمتر مورد توجه قرار گرفت.**

**۲- این درست است که طی دو دهه گذشته و به خصوص طی حدود پنج سال اخیر - از اواخر دوره اوباما- سیاست آمریکا در منطقه ما نوسان زیادی داشته و از سخن گفتن بر سر حمله بزرگ به سوریه در شهریور ۱۳۹۳، تا سخن گفتن از خارج کردن کامل نظامیان آمریکایی از سوریه را در بر گرفته است، اما به نظر می‌رسد آنان در مورد عراق و قطع روابط دوستانه تهران - بغداد به جمع‌بندی رسیده و راه آن را «آشوب هدفمند» در مناطق شیعی عراق و در نهایت معرفی یک دیکتاتور وابسته به منظور تسلط درازمدت بر عراق می‌دانند. در این صحنه آمریکایی‌ها به همکاری بسیار نزدیک کشورهای همسایه عراق شامل عربستان، اردن و ترکیه نیاز مبرم دارند و در اینجا برای موفقیت طرحِ خود به طور خاص به همکاری ترکیه چشم دوخته‌اند. چرا که همکاری عربستان و اردن را قبلاً تجربه کرده و از آن طرفی نبسته‌اند. ترکیه همان‌طور که با سوریه مرز طولانی دارد، با عراق نیز مرز طولانی داشته و این مرز در سیطره بخش‌هایی از جامعه عراق است که ترکیه به غلط به آنان به چشم «هم‌پیمان بالقوه» خود می‌نگرد. بر این اساس آمریکایی‌ها با اعطای یک موقعیت خاص به ترکیه در شرق فرات، آنکارا را وارد یک هم‌پیمانی در عراق با انگیزه به هم ریختن وضع امنیتی عراق به عنوان پیش‌نیاز تغییرات بنیادی سیاسی در بغداد کرده است و از این رو باید گفت به احتمال خیلی زیاد طی هفته‌های آتی به بهانه مقابله با مخالفان خود شاهد تشدید حملات ترکیه علیه مناطقی از استان‌های نینوا و صلاح‌الدین خواهیم بود. ترکیه تلاش خواهد کرد منطقه جزیره در شمال شرق سوریه را به منطقه شمال غرب عراق متصل کرده و به خیال خود به ادعاهای تاریخی خود درباره مناطقی از سوریه و عراق جامه عمل بپوشاند و در عین حال از طریق آمریکایی‌ها به «دولتی مقبول‌تر» در بغداد برسد و آینده خود را در حوزه انرژی تأمین نماید.**

**۳- آمریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها، سعودی‌ها و... به مرور به این جمع‌بندی رسیدند که کلید حل مشکلات عظیم و شکست‌های بزرگ منطقه‌ای آنان در عراق است و با جدایی عراق از ایران می‌توان همه مشکلات منطقه‌ای خود را حل کرد. آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در یک جمع‌بندی درباره علت شکست خفت‌بار خود از سوریه در نبرد پیچیده‌ای که حدود ۸ سال به درازا کشید، نقش‌آفرینی عراق را به مثابه کریدوری بین تهران و دمشق به حساب می‌آورند. این جمع‌بندی شبیه به آن جمع‌بندی است که رژیم صهیونیستی در گزارش رسمی کمیته وینوگراد حدود شش ماه پس از شکست از حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه ارائه و نقش سوریه را در آن برجسته معرفی کرد. بر این اساس از حدود یک سال قبل آمریکایی‌ها تغییر بنیادی شرایط در عراق را در دستور کار خود قرار دادند و در این میان دونالد ترامپ در پایگاه عین‌الاسد عراق اولین عبارات را بدین‌صورت اعلام کرد که: «ما از طریق عراق رفتار ایران را در سوریه رصد کرده و سیاست‌های ایران را شکست می‌دهیم».**

**طراحی آمریکا برای عراق بدین‌صورت است که با استفاده از مشکلات اقتصادی و نارضایتی‌های مردم عراق، «آشوب هدفمند»ی را در استان‌های شیعه‌نشینی که به هر حال پایگاه اصلی قدرت دولت به حساب می‌آیند، راه اندازد و در یک دوره زمانی به آن دامن زند، به‌گونه‌ای که شیعیان به‌طور یکپارچه دغدغه امنیتی پیدا کرده و مطالبه امنیت در صدر مطالبات دیگر قرار گرفته و حتی بقیه مطالبات را به حاشیه ببرد. همزمان با این گام و در متن آشوب، ساختار سیاسی عراق شامل مجلس و دولت منحل شوند تا در عمل هیچ نهادی برای حل مسئله وجود نداشته باشد و مشکلات به طور شتابان افزایش یافته و مردم در بی‌پناهی، هر نسخه‌ای را به عنوان راه‌حل بپذیرند. از منظر آمریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها و سعودی‌ها حدود یک سال ناامنی و بی‌دولتی کافی است تا عراقیان به هر چیزی تن بدهند. در این مرحله و پس از آنکه ناامنی به اوج رسید، نوبت ارائه یک شخصیت نظامی وابسته است تا با پشتیبانی اولیه مردمی روی کار بیاید و همه قدرت را قبضه کند و یک نظام سیاسی مستبد سر کار آورده و هر اعتراضی نسبت به سرنوشت عراق و چپاول آن را با شدت تمام سرکوب کند و در واقع کشور را به طور کامل تسلیم آمریکا بکند. جالب این است که چهره‌سازی از این کاندیدا یعنی سرلشکر «عبدالوهاب الساعدی» نیز در حین آشوب‌ها شروع شد.**

**۴- آمریکا گمان می‌کند سوار شدن بر موج بحران اقتصادی و امنیتی در عراق کار آسانی است و به وضع داخلی عراق و به خصوص وضع شیعیان چشم دوخته است. در این میان از چند ماه پیش، این زمزمه در عراق شروع شد که پارلمان عراق، عادل عبدالمهدی را در سال دوم نخست‌وزیری‌اش برکنار خواهد کرد و چندی نگذشت که رقبای سیاسی او - از میان شیعیان- وارد کار شدند. مقتدا صدر در ۲۵ مرداد ۹۸ در یک پیام توئیتری خطاب به نخست‌وزیر عراق نوشت: «ادامه وضع کنونی نه از نظر شرعی و نه از نظر عقلی و نه از نظر مردم قابل قبول است» و همزمان یک نماینده پارلمان -رامی السکینی- بحث طرح سلب اعتماد از عادل عبدالمهدی به عنوان نخست‌وزیر در پارلمان را مطرح کرد. کمتر از دو ماه پس از این اظهارات شاهد آغاز آشوب‌هایی در استان‌های شیعه‌نشین عراق بودیم که ظاهراً بر مبنای مطالبات اقتصادی صورت گرفت ولی شعارهای مطرح شده در آن «الشعب یرید اسقاط النظام»! بود. این در حالی بود که نه مقتدا صدر، نه عمار حکیم و نه حیدر العبادی که از تظاهرات ضد فساد اخیر در عراق حمایت کرده‌اند، از اسقاط نظام حمایت نمی‌کنند، چرا که اسقاط نظام یعنی اسقاط خود آنان که در طول حدود ۱۶ سال گذشته از طریق همین نظام به قدرت رسیده‌اند.**

**از منظر آمریکایی‌ها هرج و مرج کنونی در فضای اختلافی میان گروه‌های شیعه، می‌تواند گسترش پیدا کند و در نهایت به انحلال دولت و مجلس منجر شود و وضعی پدید آید که دست‌کم به مدت یک سال عراق با فقدان دولت و مجلس و به عبارتی فقدان حاکمیت سیاسی مواجه شود. در این شرایط هیچ نیرویی در عراق و یا در منطقه قادر به مدیریت نیست و عملاً دست‌های هدایت آشوب می‌توانند مسیر تحولات را به آنجایی که می‌خواهند سوق دهند. بر این اساس آمریکایی‌ها از حدود سه ماه پیش و قبل از آنکه بعضی چهره‌های سیاسی شیعه از لزوم تغییر دولت در عراق صحبت کنند، یک اتاق عملیات مشترک بین خود و رژیم‌های اسرائیل، عربستان و امارات و با حضور بعثی‌ها، سرخی‌ها و یمانی‌ها در پایگاه عین‌الاسد واقع در استان الانبار راه انداختند و به شدت سرگرم پیگیری طرح تغییر حاکمیت در عراق شدند.**

**در این میان آمریکایی‌ها بیش از هر چیزی روی گروه‌های درون شیعه و اراده شخصیت‌های مذهبی و سیاسی شیعه عراق تمرکز داشتند. در تحلیل آمریکایی‌ها که به نوعی به رسانه‌ها راه یافت، آمده بود، از یک‌سو علمای برجسته عراق به‌دلیل شرایط خاص عراق، مداخله‌ای در امور نکرده و مانع تحولات بنیادی در عراق نمی‌شوند و از سوی دیگر شخصیت‌ها و احزاب سیاسی شیعه عراق به دلیل رقابت‌های داخلی و ضعف در تشخیص خطر اصلی و به امید دست یافتن به موقعیت بهتر، با موج همراهی کرده و راه را بر تغییرات بنیادی در عراق هموار می‌گردانند. در نهایت جمع‌بندی آمریکایی‌ها این است که حکومت عراق که محصول سال‌ها مجاهدت مردم عراق است را می‌توان از این طریق ساقط کرد و بار دیگر یک حکومت دست‌نشانده را بر مردم این کشور مسلط کرد و از طریق آن وضع سایر واحدهای ناهمخوان با آمریکا در منطقه را نیز دگرگون نمود.**

**۵- آنچه گفته شد از یک طرح مهم و چندلایه حکایت می‌کند. روند آشوب‌های روزهای اخیر عراق و سطح گسترده خسارات و تلفات انسانی که به حدود ۱۵۰ نفر رسید، نشان داد که دست‌های توطئه‌گر خواسته‌اند راهی بی‌بازگشت را پیش پای مردم و به خصوص شیعیان قرار دهند. این تظاهرات فعلاً متوقف شده اما بسیار بعید به نظر می‌رسد که دشمنان در پی باز آفرینی آن نباشند. چرا که تجربه ما می‌گوید آمریکایی‌ها می‌کوشند گام‌هایی پیوسته ولی با تأنی را طراحی کنند. در این گام آمریکا تلاش کرد دست دولت و نیروهای امنیتی و نظامی را در مواجهه با توطئه ببندند و با معترض نشان دادن «اجیران فتنه‌گر»، یک پوشش حفاظتی برای آنان تدارک ببیند. انتظار آمریکا این است که اختلافات درون شیعی میان امثال مقتدا صدر، عبادی و عبدالمهدی بدون درک شرایط خطیر عراق ادامه یابد و آمریکا این‌بار بتواند با جمع‌بندی مرحله اول، مراحل بعدی را در عراق رقم بزند!**

**۶- نکته بسیار مهم در این ماجرا این است که آمریکایی‌ها در مورد واکنش مرجعیت شیعه در عراق و نیز درباره قدرت دولت عراق و مشروعیت آن و همچنین قدرت جمهوری اسلامی در بزنگاه‌های سیاسی عراق دچار سوءتفاهم هستند. مسلماً مرجعیت عراق در گاه خطر همان کاری را می‌کند که در ماجرای داعش با آن فتوای تاریخی انجام داد و گروه‌های مختلف شیعه در بزنگاه‌ها همان کاری را می‌کنند که در این ۱۶ سال کرده و سبب تثبیت حاکمیت سیاسی در عراق شده‌اند و جمهوری اسلامی در گاه مواجهه برادران خود در عراق با خطر، همان کاری را می‌کند که تاکنون کرده است. این یعنی آمریکایی‌ها باز هم در صفحه شطرنج عراق مات خواهند شد.**

**سعدالله زارعی**

جریانی که هرگز دغدغه کرامت زنان را نداشته است

# سیاسی‌بازی با مطالبات زنان تاکتیک مدیران بی کارنامه

سرویس سیاسی-

**مدعیان اصلاحات برای فرار از پاسخگویی، موضوعاتی مانند صدور مجوز ورود زنان به ورزشگاه را به‌عنوان مطالبه اصلی جامعه جا زده و علاوه بر کارنامه سازی، به دنبال دوقطبی سازی و بهره‌برداری‌های سیاسی و انتخاباتی هستند.**

پس از صدور «مجوز ورود زنان به ورزشگاه آزادی» برای تماشای بازی تیم ملی ایران مقابل کامبوج که یک ماه و نیم پیش از سوی معاون وزیر ورزش اعلام شد، بهره‌برداری‌های سیاسی از این موضوع، در دستور کار مدعیان اصلاحات قرار گرفت.

هرچند پیش‌ازاین، اجازه ورود بانوان به ورزشگاه‌ها در چند مورد صادر شده بود اما این اولین بار بود که یک مقام ارشد وزارت ورزش، از فراهم شدن امکان حضور بانوان در بازی‌های ملی در ورزشگاه آزادی (حدود ۴۶۰۰ بلیت) خبر می‌داد. فارغ از انتقاداتی که کارشناسان و تحلیلگران فرهنگی و اجتماعی به مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها دارند و باید در جای دیگری آن را مورد بررسی و واکاوی قرار داد، آنچه قابل‌تأمل است بهره‌برداری‌های سیاسی مدعیان اصلاحات و همراهی جریان ضدانقلاب و اپوزیسیون با آنان در این مسئله و به‌طورکلی در موضوعات و مسائل مربوط به حوزه «زنان» است.

**نگاه ابزاری به زنان**

همین چند روز پیش بود که سهیلا جلودارزاده، فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره سهم زنان از صندلی‌های مدیریتی گفته بود: «سهم زنان در فعالیت‌های اقتصادی باید به ۳۰ درصد برسد». بی‌آنکه پاسخ بدهد چرا ۳۰ درصد؟ چرا ۴۰ و ۵۰ و یا ۲۰ درصد نه؟ یا مثلاً هفته پیش یکی از فعالان اصلاح‌طلب در نشستی که برخی روزنامه‌های زنجیره‌ای هم آن را پوشش دادند، بدون ذکر منبع و بی‌هیچ استنادی گفته بود هرسال ازدواج ۵۰ هزار دختر کودک زیر ۱۴ سال در ایران ثبت می‌شود! دلیل ارائه آمارهای غیرواقعی و ادبیات سطحی فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و رسانه‌هایشان در حوزه زنان چیست؟ نگاه ابزاری داشتن یعنی برخورد سطحی، شکلی و رسانه‌ای با موضوع؛ یعنی همان رویکردی که باعث می‌شود به‌جای تأکید بر گزاره‌های مهم و استاندارد مدیریتی مانند توانمندی، تخصص و تجربه، بگوییم فلان درصد از مدیران باید زنان باشند! نگاه ابزاری اصلاح‌طلبان به حوزه زنان مصادیق بسیاری داشته است. شایان‌ذکر است که اصلاح‌طلبان از ۶ ماه گذشته تاکنون، پروژه‌هایی که از سال‌های گذشته برجای‌مانده بود و پروژه‌های جدیدتری را که در ذیل می‌آید را دوباره در دستور کار خود قرار دادند.۱) لایحه منع خشونت علیه زنان، ۲) اعتراض به پیامک حجاب، ۳) تجمع حجاب در دانشگاه تهران، ۴) ورود زنان به ورزشگاه، ۵) موتورسواری زنان، ۶) کاهش سن ازدواج و ۷) غائله دختر آبی و...

آن‌ها روزی به بهانه حمایت از زنان، لایحه منع خشونت علیه زنان نوشته و علیه دین و آموزه‌های اسلامی موضع‌گیری می‌کنند و روزی بدون توجه به مفاد قانونی تصریح‌شده در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی مدنی و ... پیامک حجاب را بهانه کرده و علیه حجاب حرف می‌زنند! روزی در تجمع دانشگاه تهران، شعارهای ضد حجاب سر می‌دهند و روزی موتورسواری زنان را دستمایه اهداف سیاسی خود قرار می‌دهند و تا هفته‌ها از آن می‌گویند و می‌نویسند یا آنکه روزی ازدواج دختر ۱۱ ساله با پسری ۲۹ ساله را بهانه کرده و «از تأخر فقه» سخن می‌گویند.

زهرا شجاعی، رئیس امور مشارکت زنان ریاست‌جمهوری در دولت اصلاحات چند ماه پیش در مصاحبه با آرمان به انتقاد از عملکرد اصلاح‌طلبان در حوزه زنان پرداخته و گفته بود «اصلاح‌طلبان موقع انتخابات از زنان استفاده می‌کنند و بعد کاری برایشان نمی‌کنند.»

وی تأکید کرده بود: «رد لایحه افزایش تعداد زنان مجلس به‌خوبی نشان داد اصلاح‌طلبان هنگامی که به رأی زنان نیاز دارند دست کمک به‌سوی زنان دراز می‌کنند اما هنگامی که باید درباره وضعیت زنان اقدامات مؤثری انجام بدهند و از سرمایه زنان در مدیریت جامعه استفاده کنند بی‌معرفتی کرده و از این کار خودداری می‌کنند.»

**کارنامه عملکرد اصلاح‌طلبان در حوزه زنان**

و این در حالی است که کارنامه عملکرد اصلاح‌طلبان در حوزه زنان پر از نقاط سیاهی است که تاریخ آن‌ها را فراموش نخواهد کرد.

اردیبهشت‌ماه امسال بود که در ماجرای قتل میترا استاد توسط محمدعلی نجفی (شهردار سابق تهران و وزیر اسبق و سیاستمدار قدیمی اردوگاه اصلاحات)، اصلاح‌طلبان و کسانیکه داعیه‌دار «نه به خشونت علیه زنان» بودند صحنه دیگری از سقوط اخلاقی خود را به نمایش گذاشتند.

درحالی‌که نجفی در گفت‌وگو با صداوسیما از محل پلیس آگاهی، اختلافات خانوادگی و فشار روحی روانی را علت این قتل عنوان کرده بود و قبل از آن خودش، لب به اعتراف گشوده و به پلیس مراجعه کرده بود؛ اما اصلاح‌طلبان بعد از بی‌اخلاقی در انتشار عکس‌های رمانتیک نجفی ۶۷ ساله و مرحومه میترا استاد جوان بر صفحه اول رسانه‌های خود، سعی کردند ماجرا را امنیتی کنند؛ هرچند درنهایت با واردکردن اتهام غیراخلاقی، مقتوله را «پرستو» و حتی «مهدورالدم» نامیدند؛ رفتاری که نشان‌دهنده اوج بداخلاقی و نگاه حقیرانه اصلاح‌طلبان به زنان بود تا آنجاکه عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب هم در یادداشتی نوشت: «اصلاح‌طلبان در این ماجرا نمره مردودی گرفتند.»

اصلاح‌طلبان در مسائل دیگری مانند ماجرای «به رسمیت شناختن زنان روسپی در ایران» (تیرماه ۹۵)، «ارائه اطلاعات زنان مطلقه ایرانی برای کارآفرینی در آنتالیا» (اردیبهشت‌ماه ۹۶) یا ماجرای «عقیم‌سازی زنان کارتن‌خواب» و ... نشان داده‌اند که حقوق زنان برای آن‌ها محلی از اعراب نداشته و اساساً کارنامه قابل قبولی از خود به‌جای نگذاشته‌اند.

جالب آنکه علی‌رغم شعارهای انتخاباتی که همواره در اردوگاه اصلاح‌طلبان در خصوص حمایت از زنان مطرح بوده مانند «تشکیل وزارت زنان» و یا «حضور وزیر زن در کابینه» و... هرگز محقق نشده‌اند. سال گذشته بود که فائزه هاشمی در گفتگویی با طرح این پرسش که «چرا زن نباید وزیر شود؟ روحانی چه پاسخی برای بانوان ایران‌زمین دارد؟»، نبود وزیر زن در دولت روحانی را «مایه آبروریزی» خواند! و گفت: «برای ما آبروریزی است که در افغانستان وزیر دارند و ما نداریم.»

و جالب‌تر آنکه مدعیان اصلاحات که داعیه حمایت از حقوق زنان دارند و شعار «وزیر زن» را در هر دوره انتخاباتی مطرح می‌کنند، در هیچ‌یک از دولت‌های ۸ سال نخست‌وزیری میرحسین موسوی، ۸ سال دولت هاشمی رفسنجانی، ۸ سال دولت خاتمی و ۶ سال اخیر دولت روحانی، به آن وقعی نگذاشته و وزارتخانه‌ای را به یک وزیر زن نسپرده‌اند! البته این اتفاق صرفاً در دولت احمدی‌نژاد رخ داد و مرضیه وحید دستجردی در سال ۸۸ به‌عنوان اولین و تنهاترین وزیر زن در تاریخ پس از انقلاب به کابینه راه یافت.

روزنامه سازندگی روز گذشته در یادداشتی به قلم فرزانه ترکان عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران تحت عنوان «پیگیری مطالبات زنان» نوشت: «هر انتخاباتی که انجام شده- اعم از انتخابات شورای شهر و ریاست جمهوری و مجلس- همه و همه در اولویت خود توجه به حقوق و مطالبات زنان را بیان کرده اما در اکثر مواقع در حد شعار باقی مانده و حتی برخی موارد اصطلاحی که به کار می‌برند که زنان ابزاری برای کسب هویت اجتماعی نگاه شده اند اما بعد از رای آوری مطالبات را فراموش کرده و اولویت‌های دیگری را قرار داده اند و همین رویه غلط زمینه ایجاد دلسردی و ناامیدی را به وجود آورده است.»

**فرار از پاسخگویی**

سؤال مهمی که مطرح بوده، این است که چرا اصلاح‌طلبان هرازگاهی ژست حمایت از زنان به خود می‌گیرند به‌ویژه که در ماه‌های اخیر، مسائل مربوط به حقوق زنان را تیتر ۱ کرده و یا در هفته‌های اخیر این‌همه، هشتگ «با من به ورزشگاه بیا» را داغ می‌کنند؟ برای پاسخ به این سؤال باید برخی واقعیت‌های موجود در کشور را در نظر بگیریم. اصلاح‌طلبان با همراهی آقای «تَکرار می‌کنم»، تمام قد از دولت روحانی حمایت کردند و اعضای لیست امید را وارد مجلس و شورای شهر کردند اما نتیجه عملکردشان چه شد؟ چه گره‌ای از کار فروبسته این کشور را باز کردند؟ پاسخ آن همان «تقریباً هیچ» است. به باور کارشناسان اقتصادی و مدیریتی و همچنین اذهان عمومی، کلید دولت تدبیر و امید نه‌تنها نتوانست قفلی از مشکلات را باز کند بلکه راه‌های مدیریت کشور به‌ویژه در اقتصاد مقاومتی، رونق تولید، صادرات نفت و ... را نیز قفل و یا در حالتی خوش‌بینانه ناهموار کرد. تورم به بیش از ۴۲ درصد رسید و مشکلات یکی پشت دیگری آمد؛ از تورم بیش از ۵۰ و نزدیک ۶۰ درصدی در برخی استان‌های ایران تا تورم چند صددرصدی در بخش مسکن و خودرو.

بقیه در صفحه۱۱

گفت و شنود

# پنکه!

گفت: یکی از مدعیان اصلاحات گفته است؛ انرژی هسته‌ای و فعالیت هسته‌ای به چه درد ما می‌خورد؟! حتی نوع صلح‌آمیز آن!

**گفتم: ولی این فن‌آوری نقش مهمی در توسعه صنعت، کشاورزی، پزشکی، شناسایی و درمان بیماری‌ها، تولید برق و تولید مواد باکیفیت و مقاومت ویژه و... دارد. یعنی این مدعی اصلاحات تا این اندازه از مرحله پرت است؟!**

گفت: ای عوام! آنچه را که آمریکا و اسرائیل از ترس اینکه متهم به بی‌سوادی نشوند جرأت ندارند که مطرح کنند توی دهان نوچه‌هایشان می‌گذارند!

**گفتم: یکی از منافقین روی کُد ارتباط برج مراقبت نفوذ کرده بود و برای اینکه هلی‌کوپتر رزمندگان را ساقط کند با ناشی‌گری به خلبان می‌گفت؛ هوا دیگه خُنک شده، اون پنکه بالای سر تو خاموش کن!**

نیویورک تایمز:

# حملات آرامکو، محاسبات امنیتی اسرائیل عربستان و امارات را تغییر داد

**روزنامه آمریکایی در گزارشی نوشت: حملات آرامکو محاسبات امنیتی اسرائیل، عربستان و امارات را تغییر داد.**

توماس فریدمن، تحلیلگر آمریکایی در نیویورک تایمز نوشت: تعدادی از استراتژیست‌های اسرائیلی، حمله به آرامکو(مهم‌ترین تاسیسات فرآوری نفت عربستان) را با حمله ژاپن به بندر پرل هاربر آمریکا در جنگ جهانی دوم مقایسه کرده‌اند. شاید این مقایسه اغراق آمیز به نظر برسد. اما در هر صورت این حملات محاسبات رهبران عربی و اسرائیل در مورد خطرات ایران را تغییر دادند. همه کشورهای منطقه در حال ارزیابی مجدد استراتژی امنیتی خود هستند.

به گزارش انتخاب، نیویورک تایمز در ادامه نوشت: آقای اوزی ایون، دانشمند هسته‌ای اسرائیل در مصاحبه با هآرتس گفت: در حمله به تاسیسات نفتی عربستان در آرامکو در مجموع بیست پهپاد و موشک کروز استفاده شده بود. در این بمباران متمرکز هفده نقطه به طور مستقیم هدف قرار گرفتند. بدین ترتیب ۸۵ درصد موشک‌ها و پهپادها با موفقیت به اهداف مشخص شده اصابت کردند. تصاویر ماهواره‌ای منتشر شده بعد از حملات نشان دهنده سطح دقت فناوری استفاده شده هستند. هر کدام ازتانکرهای گازی کروی در این تصاویر هدف قرار گرفته بودند.اسرائیل باید این واقعیت را بپذیرد که در مقابل چنین حملاتی آسیب پذیر خواهد بود.

ایون معتقد است که اسرائیل باید عملیات و فعالیت‌های راکتور هسته‌ای دیمونا را متوقف کند. وقایع اخیر نشان داده‌اند که این مرکز در مقابل حملات احتمالی ایران آسیب پذیر خواهد بود.

این حملات، سعودی‌ها و همچنین اماراتی‌ها را شوکه کرد. آنها به این نتیجه رسیدند که برای تامین امنیت خود نمی‌توانند به دونالد ترامپ اتکا کنند.

رئیس‌جمهور آمریکا با وجود فشارهای ریاض تمایلی برای استفاده از گزینه نظامی نشان نداده است. در واقع او در هفته‌های گذشته بیشتر به دنبال راهکاری برای از سرگیری گفت‌وگوها و دیدار با حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران بود. ترامپ این پیام را به کشورهای عربی خلیج‌فارس ارسال کرد که آمریکا فقط در زمان فروش سلاح در دسترس خواهد بود و آنها باید به تنهایی از منافع خود دفاع کنند.

اماراتی‌ها و سعودی‌ها فهمیدند که باید استراتژی خود را تغییر دهند. آنها نیز در روزهای گذشته در حال تلاش برای گفت‌وگو با رهبران ایران بوده‌اند. ریاض و ابوظبی ظاهرا قصد دارند که روابط خود با یکی از متحدان ایران در خلیج‌فارس یعنی قطر را نیز بهبود دهند. زمان آن فرا رسیده است که همه همسایگان در خلیج‌فارس اختلافات خود را از طریق دیپلماسی حل و فصل کنند.

وقایع اخیر باعث ایجاد شکاف در ائتلاف ضدایرانی بین آمریکا، کشورهای عربی سنی و اسرائیل شده‌اند. اسرائیل اکنون احساس می‌کند که باید به تنهایی با تهدیدات ایران و گروه‌های نیابتی‌اش در لبنان، سوریه و عراق مقابله کند.

کیهان و خوانندگان

**۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر**
**۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز**
**سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳**

* ان‌شاءا... اربعین امسال اقتدار و عظمت اسلام ناب محمدی(ص) در بسیج قلوب آزادگان جهان برای فروپاشیدن تمدن منحط و روبه زوال غرب سرمایه‌دار را به نمایش خواهد گذاشت.
**۰۹۱۲---۳۹۴۹ و ۰۲۹۱---۰۹۱۸**

* کانون اصلی فتنه اخیر عراق بی‌شک در سفارت شیطان‌بزرگ است که جوانان باغیرت عراق با تأسی از آرمان‌ها و اهداف نهضت حسینی(ع) باید در سفارت و جاسوس‌خانه شیطان بزرگ را گِل بگیرند تا دیگر شاهد این فتنه‌انگیزی‌ها در آینده نباشند.
**۰۹۱۰---۲۸۴۲**

* با آزادشدن دو جاسوس استرالیایی دانشجوی ایرانی بازداشت شده در این کشور آزاد شد و به ایران برگشت. قبلاً هم کشتی توقیف‌شده انگلستان را در قبال آزاد شدن کشتی ایران آزاد کردیم غرض اینکه غرب و غربی‌ها فقط یک زبان می‌فهمند و آن زبان قدرت است و بس.
**۰۹۰۳---۱۷۵۹**

* در اوج سوءمدیریت دولت و دولتمردان که موجب ناامیدی شدید مردم شده بود آقای رئیسی با شروع مدیریت موفق خود در قوه قضائیه روزنه امیدی به روی مردم و کشور باز کرده‌اند که جای تشکر دارد. تلاش‌های این مرد انقلابی خارچشم دشمنان داخلی و خارجی شده است.
**۰۹۰۲---۳۱۰۷**

* دعوت از چهره‌های خطرناکی مثل جفری ساکس، دستیار ویژه جرج سوروس از دو حال خارج نیست یا جاهلانه است یا خائنانه! هرکدام باشد وای به حال دولتی که افراد جاهل یا خائنی در آن جا خوش کرده‌اند. از مجلس که انتظاری نیست. دستگاه قضایی و امنیتی مراقبت بیشتری از این مجموعه داشته باشند.

**شکیبا و ابوالقاسمی و بیگ‌زاده**

* خروج آمریکا از سوریه و اجازه دادن به ترکیه برای سرکوب کردهای سوری باید برای همه گروه‌های سیاسی درس عبرت بشود که آمریکا قابل اعتماد نیست. واقعاً چقدر عبرت‌ها متعدد شده‌اند.
**۰۹۱۲---۴۲۱۷**

* هدف اصلاح‌طلبان از ورود مختلط خانم‌ها به ورزشگاه‌ها برای تماشای فوتبال مردان، انحراف افکار عمومی جامعه از پیگیری مطالبات واقعی مانند وضعیت بد اقتصادی کشور است.
**۰۹۰۳---۹۲۱۹**

* برنامه جهان‌آرای شبکه افق اطلاعاتی را ارائه کرد که نشان می‌داد نمایندگان و وزرای برند چگونه با نوع خاصی از خصوصی‌سازی شرکت‌ها و کارخانه‌ها به غارت و مصادره و تقسیم ثروت ملی بین خود مشغول بوده‌اند (هپکوی اراک، نیشکر هفت‌تپه، مغان، ماشین‌سازی تبریز و...). به کسانی که به چنین نمایندگان و دولتی رأی داده‌اند عرض می‌کنم چند ماه دیگر انتخابات مجلس در پیش است با احساسات رأی ندهید با تدبر و شناخت به پای صندوق رأی بروید.
**۰۹۱۵---۰۵۶۳**

* با این عملکردی که مجلس و نمایندگان طی این ۴ سال اخیر از خود برجای گذاشته‌اند به چه کسانی می‌توان اعتماد کرد و رأی داد؟! مگر همین نمایندگان مدافع وزرای پرخساراتی مثل وزیر راه و شهرسازی و... نبودند؟ حال چگونه مردم به اینها اعتماد کنند و دوباره رأی دهند؟
**۰۲۱----۸۵۴۶**

* گذشت زمان ثابت خواهد کرد کشورمان ایران در این چند سال گرفتار عده‌ای نفوذی در سطوح مختلف مدیریتی و پُست‌های حساس بوده که با رفتار منافقانه خود با دشمنان همراهی کرده و اسباب زحمت برای کشور و نظام شده‌اند.
**۰۹۱۱---۰۰۴۹**

* وزیر برند نفت گفته که ۲۲ سال است با وزیر نفت عربستان دوست هستم و علی‌رغم تنش‌هایی که به وجود می‌آورند ما به دوستی خود ادامه داده‌ایم! واقعا که چقدر خجالت‌آور است!

**عسگری**

* در خوشبینانه‌ترین حال اگر طرف‌های برجام به وعده‌های خود صد درصد عمل هم می‌کردند باز هم برجام برای ما خسارت بود چرا که حداقل ۲۵ سال ما را از پیشرفت درمسائل علمی هسته‌ای محروم می‌کرد که این خود فاجعه‌ای بزرگ بود. اینک که با گذشت چند سال به هیچ‌یک از تعهدات خویش عمل نکرده‌اند به نفع ماست که التماس نکنیم و هرچه سریع‌تر به این برنامه پرخسارت پایان دهیم و خود را از اسارت برجام نجات دهیم.

**نیک‌طبا**

* آقای جهانگیری معاون اول رئیس جمهور در مصاحبه اخیر خود اظهار داشته مردم از سختگیری پلیس ناراحت هستند! امیدواریم منظور ایشان از مردم برادرش که پرونده‌اش در حال رسیدگی است نباشد.
**۰۹۱۹---۸۸۹۵**

* ضمن تشکر از جناب رئیسی در برخورد با مفسدین اقتصادی، پیشنهاد می‌کنم برای متنبه‌کردن این متمولین و اشرافی‌ها در زندان همه آنها را در یک کمپ نگهداری و از آنها بیگاری بکشند تا کمی طعم کار و تلاش و عرق ریختن کارگران را بچشند و الا استراحت در زندان با امکانات فعلی برای آنان تنبیه نخواهد بود.
**۰۹۱۲---۸۴۵۵**

* امسال با افزایش حقوق دانشجویان آموزش و پرورش شاهد تکمیل ظرفیت دانشگاه فرهنگیان بودیم. اگر مسئولان امر مقداری بیشتر به دانشجویان این وزارتخانه توجه نشان بدهند چه بسا رتبه‌های اول دانشگاه را همین دانشجویان بتوانند کسب کنند.
**۰۹۱۱---۸۴۹۵**

**پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه ۷ تهران**

«در راستای پاسخگویی به پیام مردمی و درخواست شهروند محترم که در روزنامه وزین کیهان به تاریخ ۹۸/۰۷/۰۹ با موضوع پل مکانیزه ایستگاه مترو امام حسین(ع) به چاپ رسیده است به اطلاع می‌رساند که: پل مذکور بنا به پیگیری‌های مستمر این منطقه در نیمه اول سال جاری پس از اورهال و تعمیرات اساسی مجددا راه‌اندازی گردید، همچنین با عنایت به اینکه شهردار مح